

چالش‌های افغانستان و نقش ایران در رفع آنها

مزیت‌های پنهان، ضعف‌های آشکار

مصاحبه اختصاصی «اقتصاد ایران» با آقای ابراهیمبای سلامی، مدیر مؤسسه حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان و سردبیر مجله تولیدگرایان

اقتصاد ایران: مهمترین مشکلات حال حاضر اقتصادی افغانستان را در چه مسایلی می‌دانید؟
به نظر من مهمترین مشکل حال حاضر افغانستان

در عدم استفاده بهینه از منابع بوده که مدیریتی هم برای استفاده بهینه این منابع وجود ندارد. افغانستان علاوه بر نیروی کار سخت‌کوش، منابع مادی و طبیعی بسیاری دارد که سیاست‌گذاری‌های لازم بر مبنای توسعه برای این کشور صورت نگرفته است. برای توسعه یک کشور نیاز به تدوین یک سری از سیاست‌های توسعه بر مبنای بازارهای محلی و بین‌المللی داریم که در افغانستان صورت نگرفته است.

اقتصاد ایران: چه راهکارهایی را می‌توان اتخاذ نمود تا در میان‌مدت مشکلاتی که فرمودید مرتفع گردند؟

باید برای افغانستان یک استراتژی صنعتی مشخص نمود، چراکه افغانستان در Heartland و یا قلب خشکی قرار گرفته است و دسترسی به آب‌های آزاد ندارد. باید برای توسعه افغانستان شبکه زیرساخت‌ها را گسترش داد و مثلاً با توسعه راه‌آهن فقدان دسترسی به آب‌های آزاد پوشش یابد. اقتصاد افغانستان در حال حاضر شکل نگرفته که این، هم تهدید است و هم فرصت. تهدید به این دلیل است که یک هزینه به حساب می‌آید و فرصت به آن دلیل که هنوز اقتصاد آن شکل نگرفته است. باید از این فرصت با ترسیم یک استراتژی توسعه بهره برد. به عنوان مثال، کره جنوبی در سال ۱۹۶۲ کشوری فقیر بود، اما با اتخاذ یک استراتژی و متمرکز شدن به روی چند صنعت خاص مثل فولاد، پتروشیمی و IT پیشرفت کرد.

اقتصاد ایران: نقش ایران را در اقتصاد افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه نقش ایران در افغانستان بسیار اندک است. در حال حاضر ایران در رتبه ششم فعالیت تجاری با افغانستان قرار دارد و این در حالی است که همواره در تحمل مصایب و سختی‌های افغانستان

کشاورزی استوار است، اما کشورهای توسعه‌یافته بیشتر بر پایه خدمات و صنعت استوارند. با توجه به این مسأله، افغانستان باید چه سیاستی را اتخاذ کند تا به توسعه اقتصادی - که می‌تواند به توسعه ایران هم کمک نماید - دست یابد؟

افغانستان و هر کشور دیگری که اقتصادشان بر مبنای اقتصاد معیشتی است، ابتدا باید در همین راستا سرمایه‌گذاری کنند، چراکه شیوه‌های تولید آنان، کانال‌های اصلی سرمایه‌گذاری است. بر اساس الگوهایی مثل روستو، مردم ابتدا باید به یک قوت لایموت برسند و بعد با سیاست‌های توسعه‌ای، پیشرفت کنند. افغانستان منابع آب بسیاری دارد که با احداث سد و انتقال تکنولوژی، می‌توان سطح زیر کشت افغانستان را بالا برد. باید برای کشاورزان افغانی، کشت جایگزین ایجاد نمود تا به سمت تولید خشکساخت گرایش پیدا نکنند و دولت هم با حمایت خود، راه‌های ورود بخش خصوصی به صنعت را باز نماید. نباید از یاد برد که مردم افغانستان یاد گرفته‌اند از طریق کشاورزی زندگی کنند و نمی‌توان در کوتاه‌مدت شیوه زندگی آنها را تغییر داد که بسیاری از اقتصاددانان به این مسأله توجه نمی‌نمایند.



مثل هند، چین، آمریکا و ژاپن نقش بیشتری در اقتصاد افغانستان دارند.

اقتصاد ایران: نقش بوروکراسی بی‌مورد را در ورود بخش خصوصی به افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخش خصوصی وقتی وارد هر کشوری می‌گردد، دولت پشتیبان آن است، اما در ایران دولت، نه تنها پشتیبان بخش خصوصی نیست، بلکه رقیب او نیز هست.

اقتصاد ایران: یکی از مسایلی که در توسعه اقتصاد هر کشوری بسیار مهم است، مسأله جذب سرمایه در آن کشور است. این مسأله را در اقتصاد افغانستان چگونه تحلیل می‌کنید؟

جذب سرمایه با مقوله امنیت و ثبات نقاط مشترکی دارند. هر جا که امنیت نباشد، جذب سرمایه هم اندک خواهد بود. در حال حاضر سرمایه‌گذارهای بسیاری هستند که می‌لاند در افغانستان سرمایه‌گذاری انجام دهند و آماده‌اند تا در صورت بهبودی اوضاع، سرمایه‌های خود را به این کشور وارد نمایند.

اقتصاد ایران: اقتصاد افغانستان بیشتر بر پایه

اقتصاد ایران: از آنجا که کشت خشکساخت نیاز به آب زیادی ندارد، با توجه به مشکلاتی همچون خشکسالی‌های اخیر، برخی از کشاورزان به سمت کشت این محصول رو آورده‌اند، چه راهکاری را در این زمینه پیشنهاد می‌کنید؟

ببینید اگر ما بخواهیم کشت جایگزین را توسعه دهیم، ابتدا باید منافع مردم را تأمین کنیم. اگر ما بتوانیم با افزایش سطح زیر کشت، اصلاح نوع بذر و نهاده‌های کشاورزی و مواردی مانند آن را برای کشاورزان افغان تأمین کنیم، قطعاً تولید مواد مخدر کاهش پیدا خواهد کرد و البته راه دیگر عزم جدی دولت و جامعه بین‌الملل جهت حذف کشت خشکساخت است.

اقتصاد ایران: ظاهراً قرار است که ایران برای جلوگیری از ورود مواد مخدر به کشور، مرزهای خود با افغانستان را مسدود کند. آیا بهتر نیست به جای انسداد مرزها، شهرهای مرزی را توسعه دهیم تا کیفیت زندگی مردم این مناطق ارتقا یابد و از این طریق زمینه کاهش عرضه مواد مخدر فراهم شود؟

توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند. ما اگر مردم را از فقر نجات بدهیم، کشت تریاک خود

به خود متوقف می‌شود. وقتی مردم افغانستان فقیر هستند، از راه‌های کشت محصولات دیگر نمی‌توانند هزینه‌های زندگی خود را تأمین کنند، لذا به ناچار به سمت کشت تریاک سوق پیدا می‌کنند. استراتژی اصلی که بایستی در افغانستان اجرایی شود این است که افغانستان به یک کشور صنعتی تبدیل گردد و مردم افغانستان شرایط مناسبی پیدا کنند تا دیگر در این کشور شاهد کشت تریاک نباشیم. مطمئناً در این که هر نوع سرمایه‌گذاری در صنعت و اقتصاد باعث ایجاد امنیت و کاهش تولید مواد مخدر خواهد شد، شکی در آن نیست.

اقتصاد ایران: به نظر شما چطور می‌توان به امنیت پایدار در افغانستان رسید؟
هم دولت افغانستان و هم جامعه بین‌الملل

علاوه بر این که باید نیروی نظامی مقتدری داشته باشند، می‌باید مشارکت مردم محلی افغانستان را هم در تأمین امنیت برانگیزند. شیوه‌های مشارکت‌جویانه و شیوه‌هایی که حس مسئولیت‌پذیری مردم را برای تأمین امنیت برانگیزد، می‌تواند باعث توفیق شود. با قدرت تنها، نمی‌شود امنیت را فراهم کرد. زیرا اساس امنیت در این است که احساس ناامنی به وجود نیاید که متأسفانه این احساس ناامنی هم برای مردم افغانستان و هم برای افراد خارجی وجود دارد و باعث عدم سرمایه‌گذاری می‌شود. بهترین کار در این برهه از زمان این است که از دولت افغانستان حمایت شود و به جای افزایش نیروی آمریکایی، نیروی نظامی افغانی را تقویت کنیم.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

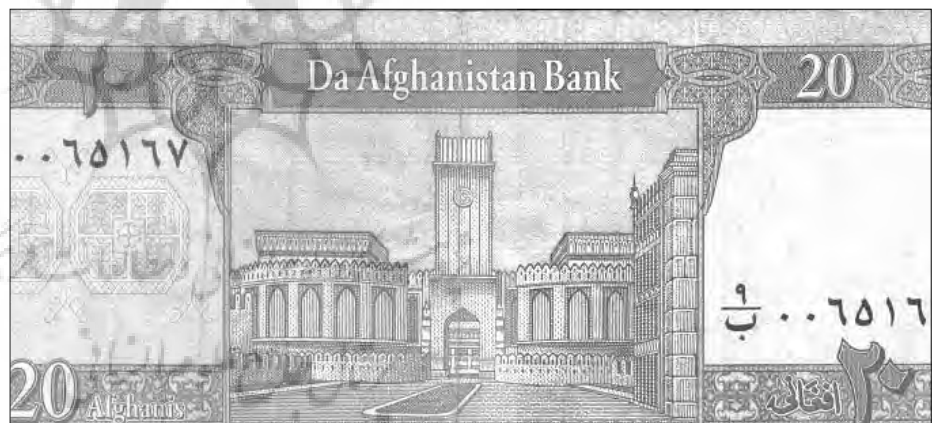
اما جدای از آن که اعمال برخی سیاست‌های پولی "دا افغانستان بانک" سبب شد که در تابستان گذشته، ارزش افغانی در مقابل دلار در حدود ۴۰۰ برابر ارتقا یابد - که به تحلیل کارشناسان واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» بیشتر به خاطر وقوع انتخابات، افزایش هزینه‌های مربوط به آن، افزایش تقاضای افغانی و در نتیجه رشد ارزش افغانی بود - عدم ثبات اقتصادی، دست مسؤلان اقتصادی افغانستان را در اتخاذ و اجرای سایر سیاست‌های پولی نظیر بازار باز و نرخ تنزیل مجدد بسته است که علاوه بر مشکلات متعدد موجود، اندک سرمایه‌های کنونی این کشور را نیز فراری می‌دهد.

در حال حاضر برای ثبات بیشتر در افغانستان که بی‌شک به ثبات بیشتر مرزهای شرقی ایران نیز بدل می‌گردد، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و حمایت از راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی که به افزایش تقاضای نیروی کار در این کشور می‌انجامد، می‌تواند علاوه بر پدیدآوردن افق اقتصادی روشن، بازار پولی افغانستان را نیز تثبیت نماید، به طوری که با رشد تولید و اشتغال و در نتیجه پرداخت‌های ماهانه و هفتگی به نیروی کار بر مبنای واحد پول افغانی، حجم مبادلات بر اساس افغانی در این کشور بالاتر رفته و ثبات بیشتری در بازار پول و البته اقتصاد افغانستان پدید خواهد آورد. نتایج مثبت این اقدام مشوقی خواهد بود برای سرمایه‌گذاران ایرانی که در تلاش یافتن بازاری جدید و البته با ثبات می‌باشند. ■

سرنوشت نامعلوم پول افغانستان

افغانی به کجا می‌رود؟!

پول افغانی ثبات کافی ندارد. شاید در کوتاه‌مدت مورد استقبال قرار گیرد، اما ثبات دایمی نیازمند سلامت اقتصاد است.



زده - باعث نوسانات شدید افغانی شده و در بسیاری از مواقع تجار و بازرگانان افغانستانی را که از افغانی استفاده نموده‌اند، با ضررها و زیان‌های هنگفتی مواجه ساخته و بر این اساس، سبب شده تا مردم افغانستان به استفاده از اسعار خارجی روی بیاورند. این روزها استفاده از ارزهای پوند و دلار به همراه روپیه پاکستانی در بسیاری از نواحی افغانستان کاملاً مرسوم است. همچنین علاوه بر این ارزها، استفاده از تومان ایرانی در مرزهای غربی افغانستان نیز امری طبیعی به شمار می‌رود.

سیاست‌های دا افغانستان بانک

در ارتباط با این قضیه "دا افغانستان بانک" طی

"در پایان سال ۸۷ تنها ۲۸ درصد مردم افغانستان از افغانی - پول رایج این کشور - استفاده می‌کرده‌اند." این جمله گزارشی است که از سوی بانک مرکزی افغانستان (دا افغانستان بانک) اعلام شده است که نشان از وضعیت اسفبار پول ملی افغانستان دارد. اما نکته جالب آن است که مسؤلان افغانستان، این وضعیت را امیدوارکننده توصیف کرده‌اند، چرا که با تکیه بر آمار قبلی خود، اظهار داشته‌اند که در قیاس با سال گذشته، این رقم ۸ درصد افزایش داشته و مردم افغانستان نسبت به گذشته اعتماد بیشتری به "افغانی" پیدا کرده‌اند. البته مشکل از مردم افغانستان و واحد پولی این کشور نیست، بلکه فقدان امنیت و ثبات سیاسی - که به اقتصاد این کشور صدمات بسیاری